

The Intellectual Property Rights of the Commercial Activities in Outer Space

(Type of Paper: Research Article)

Leila Raisi ¹*, Mahmoud Jalali [†], Morteza Sadeghi Dehsahraei [‡]

Abstract

Outer space is a kind of space which begins with the last point of the upper airspace of territory of any country and consists of the moon and other celestial bodies. The law of outer space has also consisted of laws on exploring and exploiting this space. One of the activities considered by human beings since the beginning of access to space until now has been the discussion of commercial activities and consequently the protection of intellectual property rights related to these activities in this area. Patent and copyright in space activities have an important role in the further development of space commercialization. It is clear that the process of development and innovative ideas in space will continue to human products with every growing potential to take advantage of the special opportunities offered by the space environment. Therefore, the question arises as to what approach international space law has in relation to intellectual property and whether it has anticipated and dealt with it or not? It should be said that the international law of space, just as it did not deal directly with commercial activities, did not directly address the issue of intellectual property of commercial activities but only dealt with it implicitly.

Keyword

International Law, Outer Space, Commercial Activities, Intellectual Property Rights.

1. Associate Prof., Department of International Law, Islamic Azad University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author). Email: Raisi.leila@gmail.com
 2. Associate Prof., Law Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir
 3. Ph.D. Student in International Law, Science and Research Branch of Isfahan, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Morteza_sadeghi1@yahoo.com
- Received: March 6, 2019 - Accepted: June 24, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حقوق مالکیت معنوی فعالیت‌های تجاری در فضای ماورای جو

(نوع مقاله: علمی _ پژوهشی)

لیلا رئیسی^{۱*}، محمود جلالی^۲، مرتضی صادقی دهصرایی^۳

چکیده

فضای ماورای جو از آخرین نقطه محدودۀ هوایی فوقانی قلمرو هر کشور شروع می‌شود و شامل ماه و دیگر اجرام سماوی است. حقوق فضای ماورای جو، عبارت است از مقررات حاکم بر اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو. یکی از فعالیت‌های مدنظر بشر از آغاز دسترسی به فضا تاکنون، بحث فعالیت‌های تجاری و به تبع آن حمایت از حقوق مالکیت معنوی مرتبط با این فعالیت‌ها در این منطقه بوده است. کپی‌رایت‌ها و حقوق بر اختراعات در فعالیت‌های فضایی، تأثیر مهمی در توسعه بیشتر تجاری‌سازی و بهره‌برداری تجاری فضایی دارند. مشخص است که فرایند توسعه و ایده‌های ابتکاری در بخش فضا به فرآورده‌های بشری با هر قابلیت رو به رشد در بهره‌وری از فرصت‌های ویژه که توسط محیط فضایی ارائه می‌شود، تداوم می‌بخشد. از این‌رو، این بحث پیش می‌آید که حقوق بین‌الملل فضایی در ارتباط با مالکیت معنوی چه رویکردی داشته و آیا آن را پیش‌بینی کرده و بدان پرداخته است یا خیر؟ باید گفت حقوق بین‌الملل فضا همان‌طور که به‌طور مستقیم به فعالیت‌های تجاری نپرداخته، در موضوع مالکیت معنوی فعالیت‌های تجاری نیز به‌طور مستقیم وارد نشده و تنها به‌صورت ضمنی بدان پرداخته است.

کلیدواژگان

حقوق بین‌الملل، فضای ماورای جو، فعالیت‌های تجاری، مالکیت معنوی.

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Raisi.leila@gmail.com

Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. پژوهشگر دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،

Email: morteza_sadeghi1@yahoo.com

اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

مقدمه

کنجکاو بشر برای دستیابی به دنیای ناشناخته خود سبب دسترسی او به فضای ماورای جو شده است. امروزه بشر درباره اقمار و سیاره‌های مختلف شناخت پیدا کرده است. این دنیاهای جدید مزیت‌های خاصی برای بشر دارند. مزیت‌های فضا بر کسی پوشیده نیست. امروزه فضا به‌عنوان مجرای برای ارتباطات جهانی، انتقال داده‌ها، فعالیت‌های دریانوردی و نظامی کاربرد یافته است. حتی رفاه اقتصادی و امنیتی بسیاری از ملت‌ها تا حد زیادی به فضا وابسته شده است (کوشا، ۱۳۹۴: ۲۳). بنابراین خود این مقوله نیازمند تدوین یک نظام حقوقی است. در این زمینه، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی - اغلب سازمان ملل متحد - در تشکیل و تدوین این نظام تلاش‌های مهمی را انجام داده‌اند، به‌گونه‌ای که امروزه می‌توان از حقوق بین‌الملل فضا سخن به‌میان آورد. در این میان یکی از مسائلی که از ابتدا مطرح شده، بحث استفاده مسالمت‌آمیز از فضا و فضای ماورای جو است. بی‌تردید، هرچند اهداف و انگیزه‌های علمی، اهمیت زیادی در بهره‌برداری از فضا داشته‌اند، اهداف و انگیزه‌های تجاری در کنار اهداف و انگیزه‌های علمی و نظامی سبب توسعه فناوری لازم برای ایجاد دسترسی به فضا شده‌اند (گلو و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۴).

امروزه اعضای جامعه بین‌المللی به‌ویژه قدرت‌های فضایی، حضور فضایی بیشتر در این زمینه در فضا را حفظ کرده‌اند. پیشرفت در فناوری‌ها، قابلیت دسترسی بیشتر به خدمات پرتاب فضا را در دسترس بسیاری از کشورها قرار داده است. حتی کشورهای فاقد فناوری و منابع برای دسترسی به فضا، خود با اتکا به فناوری فضایی، خرید از دیگران و غیره می‌توانند از فعالیت‌های بهره‌برداری مسالمت‌آمیز خود در این عرصه حمایت کنند.

یکی از فعالیت‌هایی که از آغاز دسترسی به فضا تاکنون برای بشر مدنظر بوده، بحث تجاری‌سازی و بهره‌برداری تجاری از این منطقه از نظام هستی بوده است. معاهدات درباره فضا در خصوص بحث تجاری‌سازی و بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو به‌طور مستقیم مقررهای پیش‌بینی نکرده‌اند، ولی به‌صورت ضمنی آن را پذیرفته‌اند. فعالیت و استفاده از فضا یکی از راه‌های تجاری کردن آن است و کشورها نیز به‌صراحت براساس رویه‌ای که تاکنون بوده است، به فعالیت‌های فضایی مربوط در زمینه تجاری کردن آن اعتراضی نداشته‌اند.

تجاری‌سازی فعالیت‌های خارج از جو مستلزم این است که عواقب آن فعالیت به‌عنوان دارایی‌های معنوی تجزیه و تحلیل شود. حمایت از حقوق مالکیت معنوی فعالیت‌های فضایی با توجه به زمینه‌های پیشرفتی که در این حیطه وجود دارد، حائز اهمیت است. با اینکه این موضوع تنها توجه کمی را در سال‌های گذشته به خود اختصاص داده است، انتظار می‌رود که کپی‌رایت‌ها و حقوق بر اختراعات در فعالیت‌های فضایی، نقش مهمی در توسعه بیشتر

تجاری‌سازی فضایی داشته باشند. مشخص است که فرایند توسعه و ایده‌های ابتکاری در بخش فضا به فراورده‌های بشری با هر قابلیت روبه‌رشد در بهره‌وری از فرصت‌های ویژه که از طریق محیط فضایی ارائه می‌شود، تداوم می‌بخشد. از نظر بازیگرانی که با این بخش سروکار دارند، آماده‌سازی افراد با انگیزه‌های کافی در انتقال پتانسیل هوشی‌شان ضروری است. از لحاظ نظریه‌های بالا، حقوق مالکیت معنوی در ارتباط با فعالیت‌های فضایی، اعتبار و مقررات عمده‌ای را برای حمایت کافی از آنها فراهم آورده است. با افزایش امتیاز تجاری حمل‌ونقل بین‌المللی، نیاز به ایجاد یک سیستم قانونی در حمایت بین‌المللی از حقوق اموال صنعتی و معنوی افزایش می‌یابد. بنابراین، به موازات تکوین قوانین ملی، بر سر همکاری بین کشورها تحت مقررات بین‌المللی با توجه به این موارد قانونی توافق شده است.

در این نوشتار نگارنده به صورت مختصر به کلیاتی درباره فضا و ماهیت حقوقی آن می‌پردازد و با توجه به پیشرفت در فعالیت‌های تجاری فضایی که با علاقه روزافزون تشکیلات خصوصی همراه است، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا چارچوب فعلی حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو از حقوق مالکیت معنوی فعالیت‌های تجاری حمایت می‌کند و بدان پرداخته است؟ با توجه به این موضوع، آیا باید تدابیر بیشتری را برای اطمینان از حمایت کافی از حقوق اموال صنعتی و معنوی مربوط به موارد فضایی باید در نظر بگیریم؟

مفهوم و ماهیت فضای ماورای جو

در ادبیات حقوق خارجی، واژگان *outer space, space, air space* وجود دارند. با توجه به فرهنگ آکسفورد (Oxford, 1998: 25) منظور از دو واژه نخست، همان هوا یعنی سطح نخست بالای قلمرو خشکی یا آبی زمین است (beriyerly, 1993: 240)؛ اما واژه اخیر صرفاً ناظر بر ماورای جو یعنی کره ماه و سایر کرات واقع در منظومه شمسی و دیگر منظومه‌ها (تا حد حصول دانش بشری و امکان حضور انسان یا ساخته‌های بشر) است و در ادبیات فارسی بدان فضا نیز اطلاق می‌شود و گاه حتی «فضای ماورای جو» نیز خوانده می‌شود. با این حال آنچه به‌مثابه وفاق مسلم دولت‌ها و دیگر بازیگران در حقوق بین‌الملل نمود یافته این است که فضا ماهیتی متفاوت با هوا یا جو دارد و به همین دلیل حقوق ناظر بر آنها به‌عنوان دو بخش مستقل در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۳۷۴).

در دکتترین حقوقی، در خصوص تعیین حد و مرز دقیق فضا (فضای ماورای جو) از هوا یا جو، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت: فضای ماورای جو عبارت است از فضایی که از آخرین نقطه محدوده هوایی فوقانی قلمرو هر کشور شروع شده و شامل ماه و دیگر اجرام سماوی می‌شود.

در خصوص ماهیت حقوقی فضای ماورای جو نیز باید گفت همه کشورهای با این نظر موافق‌اند که ماهیت حقوقی فضای ماورای جو با ماهیت حقوقی جو متفاوت است، زیرا فضای جو با سه طبقه‌بندی متمایز خود، براساس حقوق معاهده‌ای، تحت حاکمیت کشور زیرین است و قلمرو هوایی آن کشور را تشکیل می‌دهد. درحالی‌که فضای ماورای جو و کرات آسمانی تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست و کاوش و بهره‌برداری از آن برای همه کشورهای حال و آینده آزاد است. بنابراین، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان قسمت‌های مختلف فضا را با قلمرو هوایی کشورها مقایسه کرد و تابع قواعد حقوقی معتبر آن دانست.

آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضا و اشغال و تصاحب فضای ماورای جو و کرات آسمانی غیرممکن و تصورناپذیر است و هیچ کشوری نمی‌تواند در این خصوص ادعایی داشته باشد، زیرا امنیت انبای بشر نمی‌تواند حاکمیت بر سیارات را بپذیرد. از طرف دیگر، نظریه «مالکیت مشترک فضا» مردود است، زیرا مشکل می‌توان حاکمیت یا به بیان دیگر، نوعی مالکیت یا حکومت مشترک را بر فضای ماورای جو تأیید کرد. در نتیجه تنها راه حل منطقی و عقلایی این است که این مناطق را به‌عنوان مناطقی در نظر بگیریم که به هیچ‌کس تعلق ندارد و اعمال صلاحیت‌های انحصاری کشورها نیز در این مناطق امکان‌پذیر نیست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۴).

ارتباط حقوق مالکیت معنوی و فضای ماورای جو

علی‌رغم این حقیقت که فناوری فضایی از پیشرفته‌ترین حوزه‌های فنی است، تنها در ده سال اخیر، موضوع حقوق مالکیت فکری در فضا با دقت بیشتری به بحث نهاده شده است. این موضوع از چندین علت نشأت می‌گیرد که در اینجا به آنها پرداخته می‌شود.

۱. علت طرح این موضوع تکامل کنونی صنعت هوا و فضاست، به‌طوری‌که امروزه با سرمایه‌گذاری بخش‌های عمومی و خصوصی منافع بیشتری در این حوزه در حال شکل‌گیری است (Tonon, 2010: 43). با ایجاد شاتل‌ها و وسایل پرتابی قابل استفاده مجدد، انقلاب بزرگی در صنعت فضا ایجاد شده است، به‌گونه‌ای که با کاهش هزینه فعالیت‌های فضایی، فعالیت هرچه بیشتر مؤسسات خصوصی در این حوزه در دهه‌های آینده پیش‌بینی پذیر است (bouvet, 1999: 14). شاهد مثال این موضوع قراردادهای لیسانسی است که بین نهادهای دولتی و بخش‌های خصوصی منعقد می‌شود و به‌دلیل هشیاری بیشتر مؤسسات خصوصی درباره اموالشان اعم از ملموس یا غیرملموس آن و به‌دلیل هزینه‌های زیاد چنین فعالیت‌هایی، این مؤسسات انتظار جبران شدن سرمایه‌گذاری‌های توسعه و تحقیق خود را در آینده دارند (Malanczuk, 2008: 35). به‌عبارت دیگر، مطرح شدن حقوق مالکیت فکری به‌دلیل توسعه فعالیت‌ها و فناوری‌های فضایی توسط بخش خصوصی است (kohatchi, 2004: 65).

۲. عامل دیگر ارتباط این دو موضوع، جهانی شدن فعالیت‌های فضایی و اجرای طرح‌های همکاری بین‌المللی مانند ایستگاه فضایی بین‌المللی (ISS) است، به‌گونه‌ای که موافقت‌نامه بین‌الدولی ایستگاه فضایی بین‌المللی، به بیان خاص در خصوص مالکیت فکری پرداخته است. از این رو وجود یک سیستم قانونی مالکیت فکری به‌منظور ایجاد محیطی رقابتی و منصفانه بر پیشرفت تحقیقات و همکاری بین‌المللی تأثیر می‌گذارد.^۱

۳. عامل دیگر، تجاری شدن فعالیت‌های فضایی است. از جمله این فعالیت‌ها مواردی چون سنجش از راه دور، پخش‌های مستقیم رادیویی و تلویزیونی از طریق ماهواره و تحقیق و تولید تجاری در محیط بدون جاذبه است. در زمینه کاربردهای تجاری می‌توان به بخش ارتباطات از راه دور اشاره کرد که خدمات تلفنی ماهواره‌ای از مهم‌ترین بخش‌های این بازار پردرآمد است. خدمات ماهواره‌ای ثابت چون امکان انتقال تصویر تلفنی، انتقال کابلی، خدمات پهن‌بند، شبکه تجارت خصوصی، دسترسی اینترنتی و خدمات دورسنگ از دیگر موارد در این حوزه هستند. سنجش از راه دور نیز از کاربردهای دیگر صنعت فضاست که در کشاورزی، مهندسی عمران و معدن کاربرد داشته و موضوع اعطای حمایت و چگونگی آن اهمیت زیادی دارد. البته در این زمینه خدمات اطلاعات جغرافیایی که از انواع متنوع داده نیز بهره می‌برد، باید مدنظر قرار گیرد. به‌طور خلاصه، امروزه نمی‌توان کاربرد تجاری رو به فزون فضا را کتمان کرد، به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۲ درآمدهای حاصل از فعالیت‌های فضایی قریب به ۱۴۰ بلیون دلار آمریکا ارزیابی شده است (Bouvet, 1999: 44).

۴. عامل دیگر، تولیدات علمی است. تحقیقات علمی در فعالیت‌های فضایی بر حوزه‌های متنوعی چون پزشکی و داروسازی تأثیرات شگرفی گذاشته است، زیرا آزمایش‌های جدیدی باید به‌منظور بررسی شرایط روحی و جسمانی بشر در شرایط بدون جاذبه، تماس با پرتو مستقیم خورشید و دمای زیاد محیط صورت پذیرد. در نتیجه امروزه فرصت تولید محصولات جدید فراهم شده است. به‌طور مثال در گزارشی اعلام شده که بلورسازی پروتئین در ماورای جو تحقق یافته است. در نتیجه، فناوری‌های توسعه و تحقیق ارتقا یافته و مسئله حمایت از آنها مطرح شده است.

۵. عامل دیگر امکان ظهور تجارت‌های جدید است. به‌طور مثال اگرچه مسئله توریسم فضایی امروزه برای عموم مردم رؤیایی بیش نیست و حتی هنگام بحث درباره موضوعات متبلور مالکیت فکری در ماورای جو، اولین دغدغه‌ها مرتبط با حمایت از اختراعات ایجادشده در فضا و حمایت از پایگاه داده‌هایی است که از طریق فعالیت‌های فضایی حاصل شده‌اند. چنانچه توریسم فضایی تحقق یابد، مسئله حمایت از علائم تجاری و طرح‌های صنعتی نیز موضوعی مهم تلقی خواهد شد.

1. Paper Prepared By The International Bureau Of WIPO "Intellectual Property And Space Activities", 2004: P 4.

۶. انتقال فناوری و حمایت از اسرار ملی عامل دیگر این ارتباط است (Bouvet, 1999: 45). وجود شرکت‌هایی چون شرکت آلمانی INTOSPACE که آغازکننده، ارتقادهنده و حمایت‌کننده فعالیت‌های فضایی چون تحقیق و توسعه و حمایت از محصولات تجاری تولیدشده در شرایط فاقد جاذبه و ارائه‌دهنده کمک و مشورت در این حوزه است، اهمیت حمایت فکری از این نوع فعالیت‌ها را اثبات می‌کند.

این اقدامات، محرمانه بودن داده‌های علمی در قراردادهای تضمین می‌کند و شرکت مذکور به طرفین در راستای دستیابی به توافق یاری می‌رساند. بازیگران صنعت فضا، دولت، مؤسسات و شرکت‌های خصوصی با تابعیت‌های مختلف‌اند که به‌طور معمول با یکدیگر همکاری می‌کنند و منافع خاص و متفاوتی نیز دارند. به همین دلیل در این زمینه ملاحظات اسرار تجاری نیز باید لحاظ شود. به همین منظور موافقت‌نامه‌های عدم افشا شکل گرفته‌اند. در این حوزه نیز، ایالات متحده قانون خاصی دارد. قانونگذاران این کشور با لحاظ قراردادهای بین‌المللی در آینده در زمینه ساخت‌افزارهای ماهواره‌ای و سیستم‌های فروش به پیمانکاران غیرآمریکایی قانونی را به‌منظور اعمال کنترل دولت ایالات متحده بر هر نوع فعالیت تجاری وضع کرده‌اند تا از فناوری ملی خود حمایت کنند (Balsano, 2009: 67). با وجود این، هر کدام از حقوق مالکیت فکری و حقوق فضا بر رویکردهای متفاوتی استوارند؛ به‌طور مثال:

- حقوق فضا فراملی است؛ حقوق مالکیت فکری سرزمینی است.
 - حقوق فضا برای تمام ملل یکسان است؛ حقوق مالکیت فکری در هر کشوری متفاوت است.
 - حقوق فضا بیانگر منافع مشترک است؛ حقوق مالکیت فکری اعطاکننده حقوق انحصاری است.
- این تفاوت‌ها سبب ایجاد اختلافات بالقوه‌ای میان آنها شده است. به‌منظور آشکار کردن این اختلافات و بررسی این موضوع که آیا حقوق فضا به بحث مالکیت فکری پرداخته است و آیا تحولی برای حمایت از مالکیت فکری در زمینه فعالیت‌های فضایی مورد نیاز است یا خیر، باید در ابتدا اصول حاکم بر حقوق مالکیت فکری و معاهدات موجود در این زمینه به‌منظور یافتن اشاراتی به فضای ماورای جو و همچنین کاوش جایگاه حقوق مالکیت فکری در حقوق فضا، معاهدات و اصول مرتبط با آن بررسی می‌شود.

۱. جایگاه حقوق فضا در معاهدات مالکیت فکری

۱.۱. کنوانسیون پاریس و فضا

این کنوانسیون از جمله کنوانسیون‌های اصلی به‌منظور حمایت از مالکیت صنعتی و دربردارنده مقرراتی در خصوص اصل رفتار ملی، حق تقدم و موادی در خصوص ضمانت اجرا و اصل استقلال اختراعات که بیانگر عدم الزام دول عضو به اعطای حق اختراع برای اختراع مشابهی که

در کشور دیگر پتنت شده است، است. لیکن در این کنوانسیون به صراحت به مسئله مالکیت فکری در ماورای جو پرداخته نشده است. به طور مثال، در این کنوانسیون به اختراعات در فضا اشاره‌ای نشده است.^۱ با وجود این، به نظر می‌رسد که ماده ۵ این کنوانسیون با این دسته از فعالیت‌ها مرتبط باشد.

ماده ۵: الف) استفاده از اجزای یک موضوع اختراع در بدنه کشتی، در ماشین‌آلات، چرخ‌دنده^۲ و دیگر لوازم مرتبط با آن چنانچه انحصاراً برای برطرف نمودن نیاز کشتی باشد و ورود به صورت موقتی یا تصادفی به آب‌های کشورهای عضو کنوانسیون باشد، نقض حقوق صاحب اختراع محسوب نمی‌شود.

ب) استفاده از ابزار تشکیل‌دهنده اختراع در ساخت یا اجرای عملکرد هواپیما یا وسایل نقلیه زمینی در هنگام ورود موقتی یا تصادفی آنها به کشور عضو، نقض حقوق اختراع محسوب نمی‌شود.^۳ در این ماده تنها از کشتی‌ها، هواپیماها و وسایل نقلیه زمینی صحبت شده است و اشیای فضایی را در بر نمی‌گیرد، در نتیجه حضور موقت اجزای ایستگاه فضایی با هدف پرتاب یا بازگشت در یک کشور خارجی به طور خودکار از نقض اختراع استثنای می‌شود، حتی اگر این مقرر در ایستگاه فضایی به کار رود، باز قابل تردید است که استفاده از اختراعات حمایت‌شده در ایستگاه فضایی تحت نیازهای عملکردی^۴ و ضروری شناخته شود (Miyamoto, 2011: 23). نظر آژانس بین‌المللی در خصوص ماده ۵ این است که این ماده قابلیت کاربرد در فضاپیما یا اجزای آن را که در یک کشور خارجی وارد می‌شوند نیز دارد. همان‌طور که دکترین حضور موقت در آمریکا نسبت به اشیای فضایی تحت صلاحیت این کشور به کار می‌رود، ولی در حال حاضر هیچ مقرره الزام‌آوری در کنوانسیون پاریس جهت این تأثیر وجود ندارد (Balakista, 2010: 77). به منظور روشن شدن این امر، در بند ۶ ماده ۲۱ IGA، به حضور موقت اجزای مرتبط با فعالیت‌های فضایی پرداخته شده است.

بر اساس این ماده حضور موقت کالاهایی چون اجزای اشیای پرتاب یکی از دولت عضو در سرزمین یکی دیگر از دول عضو در ترانزیت بین زمین و اجزای پرواز ایستگاه فضایی ثبت‌شده توسط دولت عضو دیگر یا آژانس فضایی اروپا نباید در نوع خود اساسی برای رسیدگی نقض اختراع در دولت ابتدایی عضو ایجاد کند، بنابراین انتقال کالاهای پتنت‌شده به درون یا از ایستگاه فضایی به کمک یک محل پرتاب‌گر، حقوق اختراعات در کشور محل پرتاب را نقض نمی‌کند.

1. International Bureau of Wipo" Meeting Of Consultants on Inventions Made or Used In Outer Space", 1997: P 6.

2. Gear

3. Paper Prepared By The International Bureau Of WIPO"Intellectual Property And Space Activities", 2004: P 6.

4. Functional Needs

۲.۱. کنوانسیون برن و فضا

کنوانسیون برن نیز از جمله کنوانسیون‌های پایه در حوزه مالکیت فکری و در زمینه کپی‌رایت و حقوق مرتبط و حمایت از آثار ادبی و هنری است. در این کنوانسیون نیز اصولی چون اصل رفتار ملی، اصل استقلال و حمایت خودکار از این دسته آثار عنوان شده، ولیکن در این کنوانسیون هیچ مقررۀ خاصی در خصوص مسئله حقوق مالکیت فکری در ماورای جو مطرح نشده است.^۱

۳.۱. معاهده کپی‌رایت و ایپو و فضا

این معاهده به بیان حمایت از مجموعه داده‌ها در هر شکل از آن به دلیل گزینش و چینش محتوا می‌پردازد. در این معاهده به‌طور خاص در ماده ۸ حق بهره‌مندی انحصاری مؤلف در خصوص حق در دسترس عموم قرار دادن آثار به‌گونه‌ای که مخاطب اثر را از یک مکان و در زمان خاص انتخاب‌شده توسط مؤلف نظاره کند، عنوان شده است که این ماده می‌تواند برای انتقال و پخش از یک فضایما کاربردی باشد.^۲

۴.۱. موافقت‌نامه تریپس و فضا

یکی از موافقت‌نامه‌های دیگر در زمینه حقوق مالکیت فکری، موافقت‌نامه بین‌المللی تریپس است. این موافقت‌نامه از سه موافقت‌نامه ملزم برای عضویت در سازمان تجارت جهانی است. این موافقت‌نامه در تاریخ ۱۹۹۴ یعنی زمانی که کشورها از کارایی بالقوه مالکیت فکری در فضا آگاه بودند، منعقد شده است. به‌طوری‌که ماده ۱۰۵ قانون آمریکا در حوزه اختراعات در ماورای جو چهار سال قبل از موافقت‌نامه تریپس که در ۱۹۹۴ تصویب شد، نوشته شده است (Balakista, 2010: 78). عدم ذکر مطلبی در این زمینه در موافقت‌نامه بیانگر این مطلب است که هیچ الزام بین‌المللی که این حقوق را داخل یا جدا از قوانین ملی مالکیت فکری نشان دهد، وجود ندارد. در این موافقت‌نامه مسئله ماورای جو به معنای واقعی آن و به‌طور خاص مورد خطاب واقع نشده و صرفاً به بیان اصل رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد در آن بسنده شده است. لیکن در بند ۱ ماده ۲۷ تریپس بیان شده است که اختراعات باید قابل دسترس باشند و حقوق اختراع باید فارغ از مکان اختراع، بدون هیچ‌گونه تبعیضی اعطا شود. در نتیجه، اعطای حقوق اختراع و لازم‌الاجرا بودن آن باید از شرایط یکسان با سایر اختراعات ایجادشده در سایر مکان‌ها چون در ماورای جو بهره‌مند شود (Bouvet, 1999: 47).

1. Paper Prepared By The International Bureau Of WIPO "Intellectual Property And Space Activities", 2004: P 20.

2. Paper Prepared by the International Bureau of WIPO, opcit: P 6.

جایگاه حقوق مالکیت معنوی در معاهدات مرتبط با فضا

۱. معاهدات

۱. ۱. معاهده اصول حاکم بر اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو معروف به معاهده فضا ۱۹۶۷.

در این معاهده اصول کلی ذیل بیان شده است:
حق استفاده از ماورای جو و عدم امکان تصاحب آن^۱
در ماده ۱ این معاهده آزاد بودن استفاده از ماورای جو برای تمام دولت‌ها ذکر شده است.
در ماده ۲ بیان شده است که ماورای جو نباید با ابزار استفاده یا اشغال یا هر نوع ابزار دیگر، تحت ادعای حاکمیت و مورد تصاحب ملی قرار گیرد.
اصل کاربرد حقوق بین‌الملل^۲
در ماده ۳ معاهده آمده است که فعالیت‌ها در استفاده از ماورای جو باید مطابق حقوق بین‌الملل چون منشور سازمان ملل متحد باشد.
الزام استفاده صلح‌آمیز از ماورای جو^۳
ماده ۴ معاهده بیان‌کننده الزام استفاده انحصاری فضا برای فعالیت‌های صلح‌آمیز است.

مسئولیت دولت‌ها برای مؤسسات خصوصی^۴
براساس ماده ۶ معاهده، دولت‌ها مسئول فعالیت‌های نهادهای دولتی و غیردولتی خویش‌اند و دولت‌ها باید بر فعالیت‌های مؤسسات خصوصی در ماورای جو ناظر باشند و صلاحیت خویش را اعمال کنند. این ماده از حیث به رسمیت شناختن فعالیت مؤسسات خصوصی در ماورای جو دارای اهمیت قابل توجهی در موضوع مطروحه است.

۱. ۲. کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی برای خسارات ایجادشده از طریق اشیای فضایی (کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲)

بحث مسئولیت هم در ماده ۷ معاهده فضا و هم در کنوانسیون مسئولیت عنوان شده است و براساس آن دولت پرتاب‌کننده شیء فضایی، فراهم‌کننده مقدمات پرتاب و دولتی که شیء فضایی از سرزمین آن پرتاب می‌شود، مسئول خسارات واردشده به سطح زمین و سایر وسایل پرنده‌اند (Luxenberg, 1984: 4).

1. Right To Use An Outer Space But Not To Appropriate It
2. Application Of International Law
3. Obligation To Use Outer Space For Peaceful Purposes
4. State Reponsibilities For Private Activities

۳.۱. کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب شده به فضا (کنوانسیون ثبت ۱۹۷۵)

کنوانسیون ثبت اشیای فرستاده شده به ماورای جو ۱۹۷۵ اشاره می‌کند که شیء فضایی، توسط دولت فرستنده ثبت می‌شود. دولت پرتاب کننده کشوری است که پرتاب کننده یا فراهم کننده پرتاب فضاپیماست یا کشوری است که فضاپیما از آنجا به ماورای جو فرستاده می‌شود. در نتیجه، تحت معاهده فضا و کنوانسیون ثبت کشورهای پرتاب کننده حق گسترش قوانین خود چون قوانین مربوط به اختراعات در اشیای فضایی ثبت شده توسط آنان را دارند (Torremans, 2005: 33). در این زمینه و در هماهنگی با معاهده فضا، ایالات متحده در ۱۹۹۰ در ماده ۱۰۵ قانون اختراع خود را به فضاپیماهای ثبت شده آمریکایی در ماورای جو گسترش داد (Rou, 2011: 6).

۴.۱. موافقت نامه حاکم بر فعالیت های دول در ماه و سایر اجرام آسمانی معروف به

موافقت نامه ۱۹۷۹ ماه

مواد ۴، ۶، ۱۱ معاهده ماه، مالکیت و حقوق اکتشافی در ماه را بیان می‌کند. ماده ۴ عنوان می‌کند اکتشاف و استفاده از ماه باید در راستای منافع همه کشورهای و صرف نظر از میزان توسعه علمی و اقتصادی آنها باشد. ماده ۶ به آزادی تحقیقات علمی در ماه توسط دولت‌ها بدون هرگونه تبعیضی و در هماهنگی با اصل برابری و حقوق بین الملل اشاره می‌کند. ماده ۱۱ دربردارنده این مطلب است که ماه و منابع طبیعی آن میراث مشترک بشری هستند. سطح و زیر سطح ماه، مناطق و منابع طبیعی در این مکان نباید موضوع مالکیت توسط دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی و بین‌الدولی بین‌المللی، سازمان‌های ملی یا مؤسسات غیردولتی یا اشخاص حقیقی قرار گیرند. ارجاعات بیان شده به تخصیص ملی و سطح و زیر سطح ماه و همچنین واژه منابع طبیعی به روشنی نمایانگر مالکیت واقعی است (crommer, 2006: 253). منابع طبیعی تحت هر گونه استاندارد تعریفی، دربرگیرنده اطلاعات و حقوق مالکیت معنوی نیست (Aten, 2008: 10).

به طور کلی معاهده ماه در خطاب قرار دادن مالکیت معنوی و سایر حقوق غیرملموس همچون معاهده فضا شکست می‌خورد. شایان یادآوری است که در زمان نوشته شدن معاهده ماه، مالکیت معنوی سال‌ها مورد بحث بوده و موافقت نامه‌های بین‌المللی رسمی در این زمینه وجود داشته است. به طور مثال معاهده ماه در سال ۱۹۷۹ کامل شد، یعنی هشت سال پس از کنوانسیون برن در زمینه کپی‌رایت که اجازه سازگار کردن حمایت از کپی‌رایت را با میزان توسعه یافتگی کشورها به خود آنها، به منظور فرونشاندن نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه، واگذار کرد (Torremans, 2005: 14). با توجه به ناعدالتی توسعه‌ای در حقوق مالکیت معنوی و توجه اندک به دیدگاه کشورهای در حال توسعه در خطاب قرار دادن حقوق مالکیت معنوی در

زمان نوشته شدن معاهده ماه، کاستی معاهده در خطاب قرار دادن حقوق مالکیت معنوی در ماورای جو نشان‌دهنده عدم اجماع و عرف بین‌المللی در آن زمان در حوزه حقوق مالکیت معنوی متجلی در ماورای جو است (Bouvet, 1999: 21).

براساس مطالب مذکور، وجه مشترک تمامی این موافقت‌نامه‌ها، هماهنگی با حقوق بین‌الملل چون منشور سازمان ملل در انجام فعالیت‌های فضایی و پیشروی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ارتقای همکاری بین‌المللی است و هیچ‌یک از موافقت‌نامه‌های مذکور به‌صراحت دربردارنده مقرره‌ای خاص در خصوص مالکیت معنوی در ماوراء‌جو نیست.

۲. بررسی اصول بنیادین حقوق فضا و ارتباط آنها با مالکیت معنوی

از میان اصول بیان‌شده در تمامی معاهدات فضا، اصول عدم امکان مالکیت فضا و تصاحب ماورای جو و اصل سودمندی به تمامی کشورها در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با موضوع مورد بحث‌اند. آزادی اکتشاف و بهره‌مندی از فضا از یک سو و امکان نادیده گرفتن و حذف دیگران از دسترسی به فضا از طریق به رسمیت شناختن حقوق مالکیت معنوی در فضا در سوی دیگر، از دغدغه‌های اصلی بحث است، به‌گونه‌ای که پذیرش حقوق مالکیت معنوی در ماورای جو ممکن است در تعارض با این اصول قرار گیرد. به همین سبب به بررسی این اصول و رابطه آنها با مالکیت معنوی می‌پردازیم. علاوه بر این، از سوی دیگر این دو اصل از ارکان اساسی حقوق فضا هستند، بنابراین مدنظر قرار دادن آنها در این بحث اهمیت بسزایی دارد.

۲.۱. اصل سودرسانی به تمامی کشورها^۱

ماده ۱ معاهده فضا بیان می‌کند که بهره‌برداری و استفاده از ماورای جو چون ماه و سایر اجرام آسمانی باید در راستای منافع تمامی کشورها صرف‌نظر از درجه توسعه اقتصادی یا اجتماعی آنها باشد و ماورای جو باید مرکزی برای تمام بشریت باشد. همچنین باید برای بهره‌برداری تمام دولت‌ها بدون هرگونه تبعیض و براساس اصل برابری و در هماهنگی با اصول حقوق بین‌الملل آزاد باشد و باید دسترسی آزاد به تمامی مناطق اجرام آسمانی وجود داشته باشد.

این اصل نخستین‌بار در قطعنامه ۱۹۶۳ سازمان ملل با نام اصل منافع فضایی تأیید شده است. بند ۵ تصویب‌نامه ۱۹۹۶ عنوان می‌کند که همکاری بین‌المللی با درنظر گرفتن نیازهای کشورهای در حال توسعه باید اهداف پیش رو را مدنظر قرار دهد، اهدافی چون تسهیل تبادل متخصصان و تکنولوژی میان دولت‌ها براساس رفتار قابل قبول متقابلانه. دولت‌ها همچنین ملزم به ارائه راهنمایی به فضانوردان، ایجاد فرصت برای مشاهده پرتاب فضاپیماها و تشویق همکاری بین‌المللی در سرمایه‌گذاری‌های علمی در بخش فضا هستند.

این مقررات نشان‌دهنده اهمیت بسیار حقوق مالکیت معنوی هستند، چراکه حمایت اعطاشده به صنعت فضا در موضوعاتی چون اختراعات و اسرار در این زمینه، انحصار حقوق و مالک شدن نتایج آزمایش‌های تکنیکی صورت‌گرفته در فضا از طریق مالکیت معنوی صورت می‌پذیرد، به‌طور مثال، در مواردی حمایت معنوی می‌تواند توسعه تحقیقات متعاقب به‌خصوص در زمینه مدارهای هوشمند را که تکنولوژی‌های ضروری آن پتنت شده‌اند، با کندی مواجه سازد. از آنجا که این مدارهای بیضی‌شکل، الزاماً در خارج از منطقه استوایی واقع شده‌اند، از ویژگی عدم الزام فرکانس‌های محدودشده که مزایای کاربردی بسیاری در ارتباط با تکنولوژی ارتباطات از راه دور دارند، بهره می‌برند.

بسیاری بر این عقیده‌اند که چنین اختراعاتی که پوشش‌دهنده روش و سیستم ارتباطات از راه دور ماهواره‌ای که از این مدارها بهره می‌برند هستند، موجب دسترسی محدود به این مدارها توسط اشخاص ثالث خواهد شد، درحالی‌که مسئله اساسی، این است که اصل سودمندی فضا برای تمامی کشورها به‌طور ضمنی به مسئله همکاری و یاری متقابل و به اشتراک گذاشتن اطلاعات اشاره می‌کند (Alain, 2000: 21) و تحقق عملی این اصل مستلزم ایجاد سازوکارهای همکاری و انتقال دانش و تکنولوژی است، درحالی‌که دولت‌ها و به‌خصوص شرکت‌های خصوصی که حمایت معنوی حکم تضمین سرمایه‌شان تلقی می‌شود، به کمک مالکیت معنوی به‌طور مثال اسرار تجاری، آنها را به تملک خویش درمی‌آورند و دیگر دولت‌ها و مؤسسات را از ایجاد نمونه مشابه با آن منع می‌کنند، به‌طور مثال، مخترع به‌هیچ‌وجه اختراع خود را به اشتراک نمی‌گذارد و تنها به‌منظور دریافت حق اختراع به افشای اختراع خود می‌پردازد. اگرچه تعهدات مذکور به‌صراحت عنوان نشده‌اند، این الزام برای فعالیت‌های فضایی به‌خوبی دریافت می‌شود، به‌گونه‌ای که ماده ۱ معاهده فضا پا را فراتر می‌گذارد و اشتراک منافع^۱ را بیان می‌کند.

ماده ۱۵ معاهده ماه، به دول عضو اجازه بازدید از تسهیلات دیگر دولت‌های روی ماه را منوط به دادن هشدار منطقی و همراه با اتخاذ احتیاط‌های لازم به‌منظور تضمین امنیت و دوری از مداخله مفرط اعطا می‌کند، به‌گونه‌ای که به‌وضوح می‌توان از این ماده قصد دوری کردن از رقابت و افزایش همکاری بین‌المللی را استنباط کرد (Bouvet, 1999: 20).

به‌نظر می‌رسد که پذیرش حقوق مالکیت معنوی در ماورای جو همان‌طور که کشورهای در حال توسعه ادعا می‌کنند، مسئله سودرسانی به تمام دولت‌ها و اشتراک اطلاعات حاصل از ماورای جو را تحت شعاع خویش قرار دهد، به‌طوری‌که هماهنگ شدن این اصول را با حقوق مالکیت معنوی تا زمانی که راهبرد مناسب در انتقال دانش و اشتراک داده‌ها به‌وجود نیاید، وارد چالش می‌کند (Bouvet, 1999: 22).

این اصل به دلیل حفظ موقعیت کشورهای جهان سوم در رابطه با فضا مورد عنایت این کشورهاست و از جمله استدلال‌ات آنها این است که فضا متعلق به تمام ملت‌هاست و منافع حاصل از آن باید در خدمت همه کشورهای باشد، در صورتی که در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته بیان می‌کنند هر کشوری می‌تواند تا وقتی که دولتی ادعای صلاحیت انحصاری بر مناطقی را که آنها احیا کرده‌اند مطرح کند، از منابع طبیعی فضا بهره‌مند شوند. جهان در حال توسعه در برابر این تفسیر ایستاده‌اند و بر این نظرند که این تفسیر سبب انتقال منافع تنها به کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته می‌شود و این امر غیرمنصفانه است، زیرا دول توسعه‌یافته به طور انحصاری فناوری و سرمایه لازم برای بهره‌برداری از این منابع را در اختیار دارند، در حالی که آنها دارای ملت‌هایی با بیشترین نیازها هستند، آنها باید از اشتراک‌گذاری برابر در تصمیم‌گیری، کنترل و بهره‌گیری از منافع برخوردار شوند.

در مقابل استدلال کشورهای توسعه‌یافته حاکی از غیرمنصفانه بودن ادعای جهان سومی‌ها است، زیرا آنها بر این عقیده‌اند که دارای تکنولوژی‌های پیشرفته کشف منابع هستند، پس کنترل نتایج و پاداش تلاششان را به جهان سومی‌ها که مشارکت کم یا حتی هیچ مشارکتی در ریسک انجام چنین فعالیت‌هایی ندارند اعطا کند، این امر غیرمنصفانه تلقی می‌شود. باید خاطرنشان کرد در برطرف‌سازی این تعارض، باید همزمان به حقوق بین‌الملل عمومی، آزادی استفاده از فضا، منافع عمومی و انتظارات وسیع صنعت فضا توجه کافی صورت پذیرد. هنگامی که ماورای جو جزئی از حقوق بین‌المللی عمومی شد، بازیگران آن تنها دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بودند و بیشتر خطاب پنج معاهده اصلی فضا به دولت‌ها و به منظور محو ادعای حاکمیت آنها بر این منطقه بوده است. به عبارت دیگر، روح کلی معاهدات فضا با آنچه هم‌اکنون در زمین اتفاق می‌افتد متفاوت است، اما عده‌ای بر این عقیده‌اند که از خود معاهدات فضا با اشاره آنها به شرکت‌های خصوصی و مسئولیت آنان، ظهور چنین موضوعاتی پیش‌بینی‌پذیر بوده است و عملاً تعارضات عنوان شده مطرح نیستند (Tonan, 2010: 5).

۲.۲. اصل عدم امکان ادعای مالکیت بر فضا و مالکیت معنوی

قبل از تصویب معاهده فضا در ۱۹۶۷، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ۱۷۲۱ را در سال ۱۹۶۱ تصویب کرد که به موضوع عدم امکان تخصیص ملی می‌پرداخت، البته این قطعنامه برای دولت‌ها الزام‌آور نیست و جنبه توصیه‌ای دارد (Gorove, 2001: 32).

اصل عدم امکان تملک ماورای جو به عنوان فقدان صلاحیت سرزمینی تعریف می‌شود و به طور ضمنی به موضوع فقدان تملک به عنوان موضوع حقوق خصوصی اشاره می‌کند. در طول مذاکرات مربوط به معاهده، نماینده بلژیک تفسیر درست این اصل را یادآوری کرد، به گونه‌ای که هم شامل ایجاد حاکمیت و هم شامل حق مالکیت به اموال در حقوق خصوصی باشد.

درحالی که برای نماینده فرانسه نتیجه منطقی این اصل تنها مفهوم حاکمیت تحت حقوق بین الملل است و در خود معاهده نیز این اصل به عدم تصاحب ملی تحت حقوق بین الملل اشاره دارد (Bouvet, 1999: 19).

از ماده ۲ معاهده ماورای جو اغلب به عنوان اصل عدم تملک فضا یاد می شود، لیکن تفاسیری از این ماده وجود دارد که از آن به عنوان مقررۀ عدم امکان حاکمیت^۱ نیز یاد می کنند (Bouvet, 1999: 20). البته باید یادآور شد که از نظر جهان توسعه یافته اگرچه حاکمیت سرزمینی در ماورای جو وجود ندارد، این مسئله مانع اعمال صلاحیت دول در این منطقه نیست. به عبارت دیگر، باید بین جنبۀ سنتی حاکمیت یعنی تملک ملی و جنبۀ عملکردی حاکمیت (اعمال حق حاکمیت)، تفکیک قائل شد. این تفکیک مهم در موضوعات حقوق مالکیت معنوی اهمیت زیادی دارد (Cheng, 1997: 14) و اگرچه ماورای جو موضوع صلاحیت سرزمینی نیست، انواعی از صلاحیت را می توان در شرایط خاصی اعمال کرد. به طور مثال، ماده ۷ معاهده فضا بیان می کند که هر دولت عضو معاهده که شیء پرتاب شده به فضا را ثبت کرده است، باید صلاحیت^۲ و کنترل خویش را بر آن شیء و کارکنان آن حفظ کند (Cheng, 1997: 17).

در کنوانسیون های بین المللی، شیء فضایی^۳ واژه ای است که به فضاپیماها و ماهواره ها اطلاق می شود، در حقیقت هر چیزی که بشر به فضا پرتاب می کند یا تلاش برای پرتاب آن دارد، مانند اجزا و تسهیلات پرتاب به عنوان شیء فضایی در نظر گرفته می شود (Bouvet, 1999: 26). این موضوع که صلاحیت به فضاپیما و اشخاص درون آن تسری پیدا می کند، نوعی صلاحیت شبه سرزمینی است، چراکه این مقررۀ اجازه گسترش صلاحیت قانون ملی کشوری خاص بر شیء فضایی و فضاوردان آن را از طریق الزامات ثبت ملی و بین المللی فراهم می کند. در واقع از طریق این ترفند، حقوق حاکمیتی دولت ها بیرون از جغرافیای سرزمینی آنها به کار گرفته می شود. البته چنین طرحی تا زمانی که فعالیت های فضایی مرتبط با زمین چون ارتباطات از راه دور، سنجش از راه دور صورت می گیرد معتبر است، لیکن اگر در آینده با فعالیت های فضایی با فضا چون پرتاب کردن شیء فضایی از مناطق ماورای جو روبه رو شویم، وضعیت این گونه نخواهد بود.

تاکنون هیچ سند بین المللی به این سؤال که اگر در ایستگاه فضایی بین المللی اختراعی توسط اشخاص صورت پذیرد، این اختراع در ماورای جو که یک سرزمین محسوب نمی شود، از حمایت برخوردار خواهد بود یا خیر، پاسخ داده نشده است. به نظر می رسد بسته به نوع تفسیر کشورها از مفهوم عدم امکان تصاحب ملی، پذیرش حقوق مالکیت معنوی در ماورای جو

1. Non-Sovereignty
2. Jurisdiction
3. Space Object

دستخوش تغییر شود، به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه، این تفاسیر از اهمیت شایانی برخوردارند، به‌گونه‌ای که نوع تفسیر حاکم می‌تواند آنها را در نیل به اهداف و تحقق منافعشان یاری رساند (Ohatchee, 2004: 11). با وجود این، نمونه‌هایی از بی‌توجهی به معاهده فضا نیز وجود داشته است، به‌طور مثال، در اعلامیه بوکاتا دولت‌های استوایی ادعای بخشی از مدار زمین استوار به‌دلیل رابطه خاص فیزیکی بین مدار و دولت مادون آن را کردند. بسیاری از دولت‌ها این اعلامیه را مخالف ماده ۲ معاهده ۱۹۶۷ فضا می‌دانند.

در بیان کلی، ذکر این مطلب ضروری است که تفسیر حاکم و غالب موجود بر این اصل، منع ادعای حاکمیت و نه منع اعمال حاکمیت است. در نتیجه، به‌نظر می‌رسد پذیرش حقوق مالکیت معنوی در فضا تعارضی با این اصل اساسی در حقوق فضا نداشته باشد (Luxenberg, 1984: 3). شایان یادآوری است که منعیت مالکیت فضا هم در خصوص دولت‌هاست و هم براساس مواد ۷ و ۸ معاهده ۱۹۶۷ فضا بخش‌های خصوصی مشمول آن واقع می‌شوند. در نتیجه، مالکیت خصوصی منابع فضا نیز ممنوع است.

به‌طور کلی می‌توان گفت که اصول حقوق فضا اهداف مشترکی چون همکاری و یاری متقابل را که در معاهده ماورای جو بیان شده است و شامل انتشار اطلاعات نیز می‌شود، دنبال می‌کنند و از طرف دیگر در مالکیت معنوی و به‌خصوص در اختراعات، هدف اعطای حقوق انحصاری است و در عین حال در ماورای جو موضوع تملک و مالکیت وجود ندارد، ولیکن به بیان دول توسعه‌یافته به‌منظور تحقق پیشرفت علم، مطابق ساختن این اصول به ظاهر متناقض با یکدیگر ضروری است.

در این زمینه، قانون باید ابزار تشویق چنین توسعه‌هایی باشد و به برطرف‌سازی موازی منافع عمومی و اشخاص خصوصی بپردازد، به‌خصوص اینکه با استناد به تفسیرهای معاهده حقوق فضا به‌خوبی می‌توان پیش‌بینی‌پذیر بودن جایگاه شرکت‌های خصوصی را حتی در سال‌های ابتدایی حقوق فضا دریافت. برای مثال در ماده VI معاهده فضا در خصوص مسئولیت بیان شده است که دول عضو باید مسئولیت بین‌المللی خویش را در فعالیت‌های فضایی ملی‌شان اعم از انجام آنها توسط نهادهای دولتی یا شرکت‌های خصوصی پذیرا باشند و در اینجا مقصود از فعالیت‌های ملی، همه فعالیت‌هایی است که درون صلاحیت سرزمینی یا شبه‌سرزمینی دولت‌ها رخ می‌دهد، اما چنین رویکردی در حاکم کردن مالکیت معنوی بر فعالیت‌های فضایی برای کشورهای در حال توسعه که دانش و زیرساخت مناسب و کافی را برای فعالیت‌های فضایی در اختیار ندارند، خوشایند به‌نظر نمی‌رسد. همچنین برای پذیرش حقوق مالکیت معنوی در ماورای جو حتی اگر مشکل تعارض با اصل عدم امکان مالکیت فضا مرتفع شود، تقابل این پذیرش با دیگر اصل حقوق فضا یعنی اصل سودرسانی به تمام ملل تا زمانی که چارچوب و روش مناسبی برای به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه ظهور نکند، همچنان باقی خواهد بود.

نتیجه گیری

یکی از فعالیت‌هایی که از آغاز دسترسی به فضا تاکنون برای بشر مدنظر بوده، بحث تجاری‌سازی و بهره‌برداری تجاری از این منطقه از نظام هستی است. تجاری‌سازی و بهره‌برداری تجاری از فضا به معنای استفاده از فضا برای مقاصد تجاری است که می‌تواند شامل استفاده‌هایی مانند ماهواره‌های ارتباطات از راه دور، سامانه موقعیت‌یاب جهانی و همچنین فعالیت‌های انسانی در فضا مانند گردشگری فضایی، تولیدات مداری، دانش جاذبه‌ناچیز و تحقیق و توسعه است. از نظر تجاری متخصصان بر این باورند که اطمینان قانونی، عاملی مهم برای صنعت هوافضا بوده است. اگرچه پیش‌بینی آینده بسی دشوار است، حمایت مالکیت فکری، از عوامل مهم برای ایجاد محیط قانونی و سازمانی که از توسعه بیشتر تجارت فضا حمایت می‌کند، است.

با بررسی معاهدات فضایی باید گفت که نقطه مشترک تمامی این موافقت‌نامه‌ها، هماهنگی با حقوق بین‌الملل چون منشور سازمان ملل در انجام فعالیت‌های فضایی و پیشروی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ارتقای همکاری بین‌المللی است و هیچ‌یک از موافقت‌نامه‌های مذکور به‌صراحت دربردارنده مقرره‌ای خاص در خصوص مالکیت معنوی در ماوراء‌جو نیستند، ولی به‌صورت ضمنی آن را پذیرفته‌اند.

با بررسی اصول اساسی حقوق فضا نیز باید گفت که پذیرش حقوق مالکیت معنوی در ماورای جو همان‌طور که کشورهای در حال توسعه ادعا می‌کنند، مسئله سودرسانی به تمام دولت‌ها و اشتراک اطلاعات حاصل از ماورای جو را تحت شعاع خویش قرار می‌دهد، به‌طوری‌که هماهنگ شدن این اصول را با حقوق مالکیت معنوی تا زمانی که استراتژی مناسب در انتقال دانش و اشتراک داده‌ها به‌وجود نیاید، وارد چالش می‌کند. نیز باید عنوان کرد که اصول حقوق فضا اهداف مشترکی چون همکاری و یاری متقابل را که در معاهده ماورای جو بیان شده است و شامل انتشار اطلاعات نیز می‌شود، دنبال می‌کنند و از طرف دیگر در مالکیت معنوی و به‌خصوص در اختراعات، هدف اعطای حقوق انحصاری است و در عین حال در ماورای جو موضوع تملک و مالکیت وجود ندارد، ولیکن به بیان دول توسعه‌یافته، به‌منظور تحقق پیشرفت علم، مطابق ساختن این اصول به‌ظاهر متناقض با یکدیگر ضروری است.

به رسمیت شناختن اهمیت مالکیت فکری برای اکتشاف، استفاده از فضا و توسعه بیشتر علم و فناوری حیاتی است، اما حمایت و اجرای مالکیت فکری می‌تواند با دو اصل بنیادین یعنی اصل عدم تملک و اصل سودرسانی به همه، حقوق فضا در تعارض باشد و به‌خصوص نگرانی‌هایی را در دسترسی به دانش و اطلاعات به‌دست‌آمده از فعالیت‌های فضایی ایجاد کند، چراکه براساس معاهده فضا، استفاده از فضا باید در راستای تحقق منافع تمامی کشورها

صرف‌نظر از وضعیت توسعه علمی و اقتصادی آنها باشد و دانش و اطلاعات ناشی از فعالیت‌های فضایی، به‌طور خاص در زمینه داده‌های سنجش از راه دور که برای تمامی ملل و توسعه بخش‌های کشاورزی، منابع طبیعی، حمایت از محیط زیست و جلوگیری از بروز فجایع طبیعی حیاتی است، باید در دسترس تمامی کشورها، به‌ویژه کشورهای جهان سوم باشد. در نتیجه، دو اصل عدم مالکیت فضا و سودرسانی به تمام ملل از اصول اساسی حقوق فضا هستند و حتی با افزایش چشمگیر حضور و مشارکت بخش خصوصی در زمان حاضر، همچنان باید در مرکز توجه قرار داشته باشند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، چ سوم، تهران: گنج دانش.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چ بیست و چهارم، تهران: گنج دانش.
۳. کوشا، سهیلا (۱۳۹۴)، *حقوق بین‌الملل فضایی*، تهران: مجد.
۴. گلرو، علی‌اکبر؛ محمودی، سید هادی؛ رضی پور، فریبا؛ زرنشان، شهرام (۱۳۸۹)، *خصوصی سازی فعالیت‌های فضایی*، تهران: پژوهشکده هوافضا.
۵. نژندی‌منش، هیبت‌الله؛ یعقوبی، اسماعیل (۱۳۹۰)، *مجموعه اسناد حقوق بین‌الملل فضایی*، تهران: خرسندی.

ب) مقالات

۶. صادقی دهصحرایی، مرتضی؛ رئیسی، لیلا (۱۳۹۷)، «فعالیت‌های تجاری در فضای ماورای جو توسط بخش خصوصی از منظر حقوق فضا»، *مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۳۵، ص ۱۵۳-۱۳۷.

ج) پایان‌نامه‌ها

۷. خسروی، مجید (۱۳۸۶)، *مقایسه اصول حاکم بر هوا و فضا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۸. روحانی، کارن (۱۳۸۵)، *استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز.

۹. صغیرا، محسن (۱۳۷۷)، آزادی فضای ماورای جو و حاکمیت دولتها در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

۲. انگلیسی

A) Books

10. Alain, Pompidou (2006), *The Ethics of Space Policy*, American Law Institute, Discussion Draft. «Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law, And Judgments in Transnational Disputes». International Association for the Protection of Intellectual Property, Summary Report from the Executive Committee meeting In Lucerne, Switzerland press.
11. Bouvet, Isabelle (1999), *Certain Aspect of Intellectual Property Rights in Outer Space*, McGill University Publication.
12. Cheng, B (1980), *The Moon Treaty: Agreement Governing the Activities of States on the Moon and Other Celestial Bodies within the Solar System other than the Earth*, Oxford University Press.
13. J. L. Briery (1963), *The law of Nations*, Oxford, Oxford University Press.
14. Ohatchee, Maher (2004). *Protection in Outer Space Activities*, Switzerland press.
15. Luxemburg, Barbara (1984), *Protection Intellectual Property in Space*, University of Nebraska press.
16. Oxford Advanced Learner's Dictionaries (1998), Oxford press.
17. Rou, Theodore (2011). *Patent Infringement in Outer Space In Light Of U.S.C.*, McGill University Publication
18. Tatsuzawa, Kunihiro (1998), *The Regulation of Commercial Space Activities by Non-governmental Entities in Space Law*, London, Oxford University Press.
19. Tonon, Ann (2010), *Intellectual Property Issues for Outer Space Activities*, Osgood Hall Law School press.
20. Torremans, Paul; Derclaye, Estelle (2005). *Protection of Intellectual Property in Outer Space*. Office of Thailand Judiciary.
21. Verschoor, Diederiks (1999), *An Introduction to Space Law*, second edition, Switzerland press.

B) Articles

22. Aten, Fishier (2008), "Symposium Transport Practitioners Panel", *Journal of Space Law*, Vol.28, pp.424-442.
23. Grove, SH (2001), "Sovereignty and the Law of Outer Space in International Space Law", *Air and Space Law Journal*, Vol, 32, pp.263-282.
24. Cheng, B (1983), "The legal Status of Outer Space and Relevant Issues: Delimitation of Outer Space and Definition of Peaceful Use ", *Journal of International Space Law*, Vol,11, pp.231-243.
25. Miyamoto Tomoko (2011), "Space Related Aspects of Intellectual Property", *Harvard Journal of Law*, Vol 29, pp.128-140.

C) Documents

26. Agreement Governing the Activities of States on the Moon and Other Celestial Bodies, 1979.
27. Agreement on the Rescue of Astronauts, the Return of Astronauts and the Return of Objects Launched into Outer Space, 1968.
28. Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects, 1972.
29. Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, 1975.
30. Treaty on Principle Governing the Activities of States in The Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and Other Celestial Bodies, 1967.

